







بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این کتاب فیض انساب است که در فرسی سالیان متعالیه و نافع خواص علم و سیر



مؤلفه امیر قاسم نقی کمال علی بن سید محمد صاحب انجمن علمی بنام انجمن صاحبان علم

مطبع در شهر تبریز در سال ۱۳۰۰







# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللهم اهدنا الصراط المستقيم وصل وسلم على نبيك ال كريم  
وعلى اله واصحابه اجمعين - اما بعد چون اين فقير المدعو

سيد محمد شمسى بن سيد اسماعيل خضر الله الهانواست که طلبا و تحفانيد در رسم اسلام  
واقع ترنگرى را قيدي و مسائل عقايد و فقه که در ورى باشد که بگويم ليکن کتابيکه در زور استمدا  
آنها باشد - ورين زبان نيانتم بنا بران سطر پند که محتوي مضمونين نام المقصود باشد  
بقيد و آوردم دین با همجين کلا سلا هم نام کردم و ما التوسيق الاله الله -  
در ذکر عقائد ضرورى بدان امر فرزند که او تعالی چنانست بذات پاک  
نوايش ، انبار باشد کسی بر ملک او سپی چون و چگونه است - و ب رنگ و بی نموست  
خبرم دانه زبان - جهت وارونه مکان - همیشه هست و خواهد بود - و صفات او بشمارند  
و نقصان نیست صفات ویرا - او تعالی زنده است نه جان - توانا است نه بر علیه او اما  
نه برین نشناخت است نه بوش - بینا است نه چشم - گویا است نه بزبان - همه غیر از خوا  
دی است - پال است از عیبها و نقصانها عقیدة اصل ایمان اقرار کردن است  
بزبان و یقین و استقامت از دل بضمون کلمه لا اله الا الله محمد الرسول الله  
یعنی نیست معبودی که لائق پرستش باشد مگر الله تعالی و محمد رسول الله صلعم و ستا و ستود  
عقیدة ایمان حاصل نشدست که اقرار کند بزبان بر راستی ، ان که گوید و آنچه اعتقاد  
و بقرتیهان او بکلیها بماند او بر رسولان او قور ، و زقیاست و بر تقییر نیکی و بد قما  
که از خدا ای است ایمان مجمل آله - ایمان آورد و همه در قها و ان که انعمه باطن -  
او تعالی از نیکی خوش بودست یا ز بدی ناخوش - عقیدة است ، الله الله  
علیه و سلم آنچه از پیش خدا تعالی این او امر و نواهی آورده انابه در است ، حال منکر  
و کلیه در گور و حشر و نشسته و حساب و کتاب و کراماتیمین و ثواب و عذاب و ضمه و بقره

نسخه است

و نیز آن و بطریق همه حق است عقید کا و وزخ برای کا فرمان است و بهشت  
 برای مسلمانان - عقید کا خدا سے تعالی همه را بیا مرز و مگر مشه که را عقید کا  
 کرامت اولیا و شفاعت انبیا و صلوات شهدا و اطفال مسلمانان حق است عقید کا  
 حضرت ماصی الله علیه وسلم را اذن شفاعت در دنیا شده است و ظهور او در قیامت  
 خواهد شد عقید کا ثواب دعا و خیرات و عمل نیک مرمر و گان رومی رسد عقید کا  
 بناس اسلام پنج است کلمه گفتن - نماز گذاردن - روزه بستن در ماه صیام  
 زکوة دادن - حج گذاردن در حال استطاعت عقید کا واجبات اسلام گفتن  
 صدقه فطر - قربانی اضحی - نماز وتر - نطقه ذومی الارحام - زیارت مادر و پدر - تحننت  
 نشوهر مرزن راه عمره بجا آوردن - عقید کا سنت های اسلام - آذنی لب  
 باز کردن - نموی زیناف تراشیدن - ناخن چیدن - بموی زیر بغل و در کردن  
 مسواک کردن - ختنه کردن - عقید کا تفضیل گناه کبیره - شکر کردن - خجالت  
 قیل کردن مومن را بنام حق - تهمت به زنا کردن زن شوهر دار را - فرار نمودن از  
 آرزنگ کفار - سحر کردن - خوردن مال یتیم - نافرمانی کردن مادر و پدر را - شراب  
 خوردن - و مانند آن چنانچه شهادت نا دیده او اگر درون - سوگند و بیخود - دن -  
 فزاتی و عینت کردن و غیره مسئله فرض بر سه گونه است - فرض عین - فرض  
 کفایه - فرض ظنی - فرض عین آنست که یکیک فرد ابدان قیام باید ننوده که از قیام یکدیگر  
 ساقط شود - مانند پنج بناس اسلام - فرض کفایه آنست که چون بعضی ابدان قیام  
 نمایند از همه دیگران ساقط گردد مانند جواب سلام و جواب خطبه و نماز جنازه - و  
 عیادت بیمار - فرض ظنی آنست که با جتهها و مجتهدان تأیید شده باشد مانند آب  
 در دهن و بینی کردن و غسل - مسئله فرض عین بر دو قسم است فرض دائمی و  
 فرض موقت - فرض دائمی مانند معرفت حق و میزاری از کفر و موجبات آن - فرض موقتی  
 مانند نماز و روزه و زکوة و حج فایده مجتهدین اهل سنت چهارم اول امام اعظم  
 یعنی ابوحنیفه کوفی که نام مبارک او نعمان بن ثابت است مناقب او بسیارند امام اعظم  
 شامی و امام جعفر صادق علیه الرحمة و هم حسن بن مثنی بعد تحصیل عزت نشین  
 گردید و حکم رسول الله صلی الله علیه وسلم از قرآن حدیث نشین می بر او بود دوم  
 امام شافعی که سوم امام مالک که چهارم امام احمد بن حنبل که رحمت الله تعالی -  
 عقید کا از همه سیم حضرت ماصی الله علیه وسلم افضل اندلس حضرت  
 ابراهیم موسی عیسی و نوح و اسحاق و یعقوب و ادریس و یوسف



و یطیّل ویولتس علیهم السلام عقیدل کا یاران پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم چهار اند  
 اول حضرت ابابکر صدیق روم دوم حضرت عمر فاروق روم سوم حضرت عثمان غنی رضی اللہ عنہم  
 چهارم حضرت علی ابن ابی طالب روم رضی اللہ عنہم عقیدل کا کتب اسلامی  
 چهار اند زبور - انجیل - تورات - فرقان مجید عقیدل کا چهار نشانی معجزانہ  
 جبرئیل - میکائیل - عزرائیل علیہم السلام -

### دس ذکر عبادات

بران امی فرزند ان کہ عبادت بر چهار قسم است اول فرض کہ از رضی قطعی ثابت شد  
 و منکرش کافر گردد و تارک آن لائق عذاب - دوم واجب کہ منکرش کافر گردد مگر  
 ناکش در عذاب باشد - سوم سنت کہ منکرش واجب تحقیق کافر باشد و تارک آن  
 سزاوار طاعت و عتاب - چهارم نفل کہ عامل او مشاب باشد - دس ذکر وضو  
 بدانکہ در وضو چهار فرض است اول روی شستن از برے پیشانی تا زیر زب  
 و از یک نرئہ گوش تا نرئہ گوش دیگر دوم ہر دو دست شستن تا ارنج شوم مسح  
 ربع ہر از ہر طرف کہ خواہد چارم یا کشتستن یا شستن تا انگ دس ذکر سنتھا  
 وضوء - سنت است در وضو نیک گردن - نام خدا بر زبان راندن - ہر دو دست  
 شستن تا بند دست - مسواک گردن - آب در بینی - دوباہان گردن - تھلیل گردن  
 انگشتان در پیشانی - دستہ بار شستن ہر عضو را - مسح گردن تمام سر را - ترتیب انگشتان  
 بے در پے شستن - در ذکر استحیاء وضوء - مستحب است در وضو شروع گردن از جانب  
 ست مسح گردن - مسئلہ شہر طہ وجوب وضو نماز است - شہر طہ وجوب نماز  
 وقت است - دس ذکر شستن لاد وضوء - می شکند وضو را اگر پیشانی  
 ظاہر گردد و خون روان - زرد آب روان - خواب بکلیہ زودہ - قی بر سر و ہن تھلیل  
 یا خون سببہ اگر با خون بزاق شامل وغالب باشد ناقص نیست بچین تھے از بلغم خاص  
 بیہوشی - دیوانگی - خندہ قہقہہ در نماز کہ رکوع و سجود و اوردہ - مباهرت فاختہ  
 دس ذکر غسل یعنی غسل بدانکہ در غسل چیز فرض است آب در بینی و گردن  
 گردن - تمام اندام را شستن - مسئلہ اگر با جدول مومنی بافتہ زن آب سید  
 کشت و نش ضرور نیست - مسئلہ سنت است شستن ہر دو دست پیش از شستن  
 و شستن شہر گاہ و وور گردن بجاست از بدن - مگر ہر دو پاسے را بعد غسل شستن  
 و ہر بار بر آبرو آب روان سازد - مسئلہ دس واجبات غسل -

بدان که غسل از چهار چیز واجب میشود - اول غائب شدن سر و روبرو قبل یا بره دوم  
 انزال که بر سهیل و قن و شهرت باشد در خواب یا در وقت بیداری سوم از حیض  
 چهارم از نفاس بعد از پاک شدن مسئله از بر آمدن و ذوی و ندری و از احتلام که  
 اثرش ظاهر نباشد غسل لازم نمی آید - مسئله سنت است غسل روز آومینه و عید  
 و برای اجرام حج و روز عرفة - مسئله واجب است غسل مرده بر زندگان غسل  
 اکس که سلام اردو اگر جنب باشد در نه مستحب - مسئله در تیمم چهار فرض است  
 اول نیت کردن دوم خاک پاک سوم یک ضرب برای روزه چهارم ضرب دیگر  
 بر سه هر دو دست - مسئله شکننده وضو مبطل تیمم است و بر قدرت انتقال  
 آب تیمم جایز می شود در حالیکه آب بقدر یک گره باشد یا بجا را که وقت حضرت باشد  
 یا بر مکان آب خوف و شمن یا سباع باشد یا قیمت دو چند دارد و یا بجا هر سید  
 است یا آردن آب سوخته و یا باشد مسئله در نماز خلف او را نباشد تیمم روست  
 مسئله محدث را تیمم بجای وضو است و جنب را بجای غسل مسئله  
 از یک تیمم دو فرض یا زیاده گذاردن جایز است - دس ذکر آب آب روان  
 و آب ده مرده پاک باشد تا وقتیکه رنگ یا بوی آنزه متغیر نشود - مسئله  
 سوائے آب روان و آب کثیر نجاست که باشد یا سبب نجاست باشد از آب جاری  
 وضو و غسل جایز است اگر نجاست در آن افتاده باشد لیکن شرط آن است که  
 اثر نجاست ظاهر نباشد - مسئله هر جانور که خون روان ندارد و درش آب را  
 نجس نمی کند چنانکه گوس و شته و ماهی و خوک - مسئله اگر برابر شستن حیوان  
 در آب افتد و بمیرد و دست و لوبیا کشند و اگر برابر حمام باشد چهل و لوبیا کشند  
 و هر چه مانند گربه باشد شست و لوبی کشند و هر چه مانند گوسفند باشد همه آب کشند  
 و اگر جانور سے اماں کرده یا پاره پاره کرده یا پاره یا پوست از تنش فروخته باشد  
 یا شکم دریده باشد همه آب از جاه خالی ساقه - دس ذکر مسجی مومن کا - مسج  
 بر موزه مردوزن را درست است مسافر را شایه مردوزن و تقیر یک شب از روز را  
 بر طهارت کامل پوشیده باشد تا نفسش ناقص و وضو است - اشتکاف در موزه که  
 برابر است انگشت باشد مسج را مانع است و نیز تمام مدت دس ذکر دباغت  
 پوست مرده سوائے پوست آدمی دختر یا از دباغت پاک می شود مسئله  
 جلد جانور مذبح بخیر دباغت پاک است مسئله موی دستخوان مرده پاک آ

کتابی ۱۴۵۶

در مذکر حیض و نفاس حیض آن خون است که از رحم زن جوان بیرون می آید که مدت  
 آن سه شبانه روز است و اکثر آن در روز اگر ازین مدت زیاد و کم گردد و بسیار می باشد  
 نفاس آن خون است که بعد از تولد زن جوان ظاهر میشود اکثر مدت آن چهل روز است  
 و کم را حدیست نیست مسئله زنان در حیض و نفاس نماز تکذازند و روزه ندارد و در  
 در سجده در آید و طواف خانه کعبه را ادا کنند و بغیر خلاف قرآن مجید را مسئله کنند و  
 باشوهران جمع نشوند مگر روزه قضا بکنند مسئله خون استحاضه حکم خون مینویسد  
 هر نماز را وضو تازه باید کرد در مذکر طهارت ثوب و انوار پاک می شود و از آب و کحل  
 آن چنانکه سر که آب و عصا در میوه مسئله کفش و موزه پاک می شود از نایلیدن اگر  
 نجاست تدار باشد ورنه باید شست مسئله شمشیر و چاقو و اینها پاک میشود از نایلیدن  
 و زمین از خشک شدن بشرطیکه نشان باقی نماند نماز بر آن درست است و غیره و روایتی  
 فایده نجاست تدار مثل غایط و سبکین و غیره تدار مثل بول و غیره در مذکر نجاست  
 خون و شراب و سبکین و روزه سب و پس افکنده باکیان که چه کرد و بول جانوران مرور  
 نجاست معتدله باشد برابر درم شمر می نماز را مانع نیست و معاف است از علی هذا القیاس  
 بول جانوران حلال و پس افکنده برندگان حرام نجاست مخففه است مقدار یک حسب  
 و عرض و طول نماز را مانع نیست مگر نایل کردن اولی مسئله هر نجاست که مرئی است  
 چندان بشوید که دور شود و غیر مرئی را سه بار بشوید و هر بار خشک کن چنانکه قطره موقوف  
 شود مسئله استنجا از خاک و سنگ و خشت سنت است و از آب فضل در مذکر که نماز  
 در اوقات نماز و وقت نجر از صبح صادق تا طلوع آفتاب است و وقت ظهر چون آفتاب از  
 بگذرد تا غروب آفتاب است و وقت عصر از آخر وقت ظهر تا غروب آفتاب  
 وقت مغرب از غروب آفتاب تا انزال شفق وقت عشا از انزال شفق تا طلوع صبح صادق مگر  
 بعد از نصف شب کرده است وقت او تر بعد از عشا تا فجر است مسئله نماز و سجده  
 تلاوت و نماز چهاره وقت طلوع و غروب و استواء آفتاب منع است در مذکر فرض نماز  
 فرض است در نماز تن و جامه و جاسسه پاک داشتن و دستها عورت و کشتن و کشتن وقت نماز  
 و نیت نماز و در دو جانب قبله کردن این سه وقت خیر است و اگر چه کشته نماز می گویند  
 تکبیر اول - و قیام - و قنات - و رکوع - و سجده - و قعدۀ آخر - و بیرون آمدن مصلی از نماز  
 بفعل - این را اگر کان نماز میگویند مسئله در واجبات نماز واجب است در نماز  
 سوره فاتحه خواندن و ختم سوره بان تحمیل قرأت در هر رکعت اول از فرض است

ترتیب در میان ارکان نماز - تقدیر ارکان یعنی قرار گرفتن در رکوع و سجود و مقدار  
 تسبیح - قعدۀ اهل و الخیات خواندن در هر دو قعدۀ - بلند خواندن در سه نماز است  
 خواندن در دو نماز امام را و منفرد و مختص است - بلفظ سلام از نماز بیرون آمدن تکبیر است  
 عیدین خواندن - و عادت قنوت در وتر اگر یا و نباشد و بنا استافی الدینا حسنة  
 و فی الاخرة حسنة و قاعدۀ الناس - اللهم اغفر لی تا آخر سه بار بگوید  
 در ذکر سنتهای نماز سنت است اذان و تکبیر قامت براس نماز فرض  
 و ثنا خواندن بدین کلمات - سبحانک اللهم و جمدک و تبارک الاسماء  
 و تعالی جیدک و لا اله غیرک و تقوی یعنی اعوذ بالله من الشیطان  
 الرجیم - بعد ازان تشبیه یعنی بسم الله الرحمن الرحیم و آمین استتفقتن  
 تکبیرات در رکوع و در دو خواندن بدین کلمات اللهم صل علی محمد  
 کما صلیت علی ابراهیم و علی ابراهیم انک حمید مجید - اللهم بارک  
 علی محمد کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید  
 و دعایین است اللهم اغفر لی و لوالدی و لمن تولد و ارحم هم کما ربانی  
 ضعیف و لجمیع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الایماء  
 منهم و الاموات برحمتک یا ارحم الراحمین و رفع هر دو دست وقت تکبیر تحریم  
 مردان را تا اذن - و زمان را تا و شش - و دست بستن مردان را زیر ناف  
 و زمان را بر سینه چنانکه یمن بر بسیار باشد - و دست بر رکبه نهادن در رکوع -  
 سبحان الله من حمدتک مر امام ترا - و بنا لک الحمد گفتن مر مقتدی را و مفرد  
 هر دو صیف گفتن - و رفع سبابه هر شش هندیه بلفظ لا اله و نهادن بر  
 الا الله - در ذکر مکرر و هات نماز - مکرر است اندر نماز کاریکه خارج  
 از نماز باشد کردن سبب بر سینه گذاردن بغیر قدر و درست است کردن یمن  
 و همبازه کردن - بند انگشتان ششگستن - پیاور و غیره از و شش او زبان داشتن  
 ترک سنت کردن - ای صنف علیخده استخوان - انگشتی و غیره از در پوشیدن -  
 در ذکر مفسدات نماز مفسد است مر نماز را بالاتر از امام ستادن و خود  
 و نوشتیدن و کلام کردن و قرآن دیده خواندن و جواب عیسیه گفتن و فعل کثیر  
 کردن و سلام کردن و جواب سلام دادن و باستماع خوشحالی احمد شد  
 گفتن و یا از مصیبت انانند گفتن و بغیر از آنکه کردن و محمدین و مالیدن

و روی گردانیدن از جانب قبله در رکعت اول نماز در وقت قیام بر سجده گاه  
 نظر کردن و در وقت رکوع نظر بر اقدام دو وقتین و در سجده نظر بر بینی گذاشتن و توجه  
 در کنار خود دیدن چون قصد سجده کند اول آن عضو بر زمین نهد که برین قریب باشد  
 علی هذا یک عضو را تمام بر زمین نهد و وقت قیام عکس آن بکند و چون سلام دهد  
 رو به خود را اول جانب مین و بعد از آن جانب یسار بگرداند و بدان را نزدیک  
 فازه بید نماید و سرقه را تا تواند بازدارد و مسئله جماعت سنت مکره است هرگز  
 بجز عذر ترک آن لازم نیست و احق با امامت عالمه بفقہ است پست عالم بقرات و آن  
 بعد از آن تسبیح و همچنین بدرجات - مسئله اگر در حالت نماز وضو از مصلی ساقط  
 شود باید که وضو کرده نماز را تمام نماید اگر حرکتیکه منفسد نماز است صادر شده باشد  
 مگر از سر گذاردن اولی است - اگر از امام وضو رفته باشد مقتدی را خلیفه کرده  
 وضو بکند در سجده نماز فوائت در نماز وقتی و فائت و باهم در تمام فائت ترتیب  
 فرض است و از تنگی وقت و میان و کثرت فوائت یعنی از وقت شش گانه ترتیب  
 ساقط میشود مسئله اگر از سهو در نماز واجب ترک شود یا در فرض تقدیم و تاخیر  
 شود سجده سهو لازم آید بعد از تشهد یک طرف سلام داده و سجده سهو بکند بعد تشهد  
 و در دو دعا خوانده نماز تمام کند منقو باشد یا امام - مسئله از سهو امام مقتدی  
 و سبق سجده لازم آید و سبق آنست که امام را در یک رکعت یا زیاده  
 از آن دریافت باشد در سجده نماز و تر نماز و ترتیب سه رکعت یک سلام  
 واجب است و هر رکعت بعد فاتحه نهم سوره بکند و در رکعت سوم پیش از رکوع امام  
 و مقتدی هر دو منوات بخواند اگر میاید و تالیف سه بار بر بنا آتا بخواند یا اللهم اغفر لی  
 یا آخر سه بار بخواند - در کسی مسافر اگر کسی براه سه روز اراده سفر کند سفر تری  
 باشد یا خشکی ساهه باشد یا سوار چون آبادی وطن از نظر عائب شود فرض چهارگانه  
 قصر کند یعنی دو گانه بخواند و روزه را افطار کند - مسئله اگر در وطن یا در شهر  
 اراده قیام یا روزه روز بکند حکم مقیم دارو - مسئله قضا نماز سفر در حضر دو گانه  
 بخندار و قضای حضر را در سفر چار گانه - مسئله اگر مقیم امام باشد و مسافر مقتدی  
 مسافر نیز چار رکعت بخندار و اگر مسافر امام باشد هم مقیم مقتدی را باید که بعد از سلام  
 نماز را تمام کند - مسئله در رکعت قبل از فرض فجر و چار رکعت پیش از فرض  
 ظهر و دو بعد از آن و چار قبل جمعه و چار و دو بعد آن و دو بعد مغرب و شش است

مسئله بر چهاره مقام در قرآن مجید سجده است بر تالی و سامع سجده واجب می شود  
 اگر در نماز باشد یا بیرون از نماز در سزاگن نماز جمعه نماز جمع بر هر مرد آزاد  
 جوان تندرست و مقیم فرض است بعد و خوب ترک آن مورت قساوت قلب است  
 شد ایضا آن عیث شهر - یا قنای شهر مسجد جامع - پادشاه اسلام - وقت  
 ظهر - خطبه - جماعت - اگر سه مقتدی باشند اذن عام برای دخول مسجد مسئله  
 چون خطبه شروع شود شنیدن آن واجب است - در آن وقت نمازگذار و در ذکر  
 نماز عیدین - نماز عیدین واجب است بر کسیکه واجب باشد بر وجه شرطی حسب  
 و عیدین یک است - مگر خطبه در عیدین بعد نماز است - و وقت نماز عیدین بعد از طلوع  
 آفتاب تا زوال است و در نماز عیدین شش تکبیر است سه بعد نماز سه در رکعت دوم  
 قبل از تکبوع - مسئله تکبیرات تشریح با امام از روز عرفه تا عصر سیر و هم است -  
 در سزاگن کسوف و خسوف چون آفتاب گرفته شود بگذار و در رکعت نماز  
 با امام یا بی او چون ماه گرفته شود متفر و بخواند تا وقتیکه خسوف گرفته باشد در استغفار  
 باشد در سزاگن نماز استسقاء - چون امساک باران شود و خلق هر اسبان  
 گروهی بر روی رود در رکعت نماز بگذار و در سنت استسقاء و خلق در لباس بکشند  
 و امام خطبه بخواند و ستاده و بکند در سزاگن نماز خوف اگر دشمن یا سبایع  
 غرض باشد و گروه گروه شود یک گروه نماز را کند - گروه دیگر در وضع دشمن گوشه  
 در رکعت و مسافر یک رکعت بگذار و چون گروه اول از نماز خارج شود بمقاله  
 خصم بگردد و دوم نماز بگذار و چون مضار باشد ندا و کشد سوار باشد ازت و بافق  
 نماز او بگذرد هر طرف که تواند رو آورد - در سزاگن تراویح در راه صیام بعد از غشا  
 پیش از وقت نماز تراویح است رکعت بد سلام بگذار و بعد هر چهار رکعت تکبیر کند  
 بعد چهار رکعت - مسئله در تراویح یک ختم قرآن سنت است - در سزاگن  
 نماز جنبانزای نماز جنازه فرض کفایه است و شرکاء آن اسلام و طهارت است  
 ولی میت هر کرا اجازت بده امامت کند - مسئله در نماز جنازه چار تکبیر است  
 در اول آنها در دوم در سوم دعا و مغفرت در چهارم سلام و دعای مغفرت  
 بچیت - اللهم اغفر لحینا و میتنا و شاهدا و غائبنا و صغیرنا  
 و کبیرنا و ذکرتنا و اتنا اللهم من اجیتنا منا فاجبه علی الاسلام  
 و من لردتنا منا توفه علی الایمان - اگر میت زن باشد ضربه های سجای  
 هتو - بخواند اگر جنازه طفل باشد این دعا بخواند اللهم اغفر له لنا شرفا

واجعله لنا اجراء ذخرا ولعله لنا شافعا ومشفا بخواند اگر جنازه صیبه باشد  
 بجای اجعله اجعلها بخواند و بجای شفا فوا مشفا شافعا و مشفعا بخواند  
 نیت جنازه این است - نماز جنازه می گذارم بجهان کبیر بر اسننه طایع و دعائی  
 برای این بیت دس ذکر پس و ذکا روزه عبادت است از ترک اکل و شرب و جماع  
 و از صبح صادق تا طلوع آفتاب نیت در روزه شرب است - مسئله بر هر مسلمان  
 عاقل و بالغ مرد باشد یا زن آزاد باشد یا غلام روزه در رمضان فرض است و روزه مذکور  
 واجب است مسئله نفسا و حالضا و مسافرا در رمضان قضا کند مسئله از قمار و شوی  
 چیزهای بجز و یا بیاشامد یا جماع کند و غیره چنانکه احتلام شود و در سر روغن اندازد و در چشم  
 سر نه کشد در روزه نقصان نیاید - مسئله در فسادات روزه جماع یا اعلام کند  
 یا کند یا قصد غذا یا و آنچه در این وقت قضا و کفاره هر دو لازم خواهد شد مسئله  
 کفاره روزه اینست اگر ترا نرسد و آنرا کند یا پی در پی و ماه روزه وارد باشد  
 مسکین را به سیرت شکم طعام بخواند مسئله شیخ فانی که روزه دشتن می خواند  
 فدییه دیگر که طعام یک مسکین است دس ذکر صدقه فطر صدقه فطر واجب است بر آن  
 کس که زکوة بر او واجب باشد و وقت آن پیش از طلوع آفتاب است مسئله صدقه  
 برای هر فرد یک صاع جو یا نیم صاع گندم است مسئله صدقه فطر بدو طرف  
 خویش و از یک خویش و بنده خویش - دس ذکر اعتکاف در آخر عشره رمضان  
 بر نیت اعتکاف در مسجد معتکف نشیند سنت مکره است - وزن در مسجد معتکف نشیند  
 و معتکف بی ضرورت از مسجد بیرون نیاید مگر بر ضرورت حاجت چنانکه باز یا رفع  
 حاجت بشری - مسئله معتکف را خرید و فروخت و خوردن و آشامیدن و محقق  
 در مسجد جایز است مگر بباب خرید و فروخت در مسجد حاضر نکند مسئله وطن و بیاس  
 و بوسه و اعتکاف حرام است اگر نیت اعتکاف روز نهم شب هم در اعتکاف است  
 دس ذکر نیت زکوة و آن از مال فرض است بر هر عاقل و بالغ مسلمان آزاد که  
 مالک لثاب باشد - و لکن کامل داشته باشد - مسئله زکوة بی نیت ادائیگی شود  
 باقی را از کتب دیگر دریافت نمایند دس ذکر حج - حج خانه کعبه در سفر یکبار فرض است  
 بر مکلف صاحب اسلام بش طهارت و صحت و زرا و راحله را سه آه در وقت موافق  
 باشد و از حاجت اصلی فاضل باشد و براسه سوازی و نفقه عیال ندارد است و  
 در راه امن باشد مسئله اگر مسافت سفر در میان نباشد غیر محرمات را در وقت

در نه محرم یا شوهر همراه باشد - مسئله چون احرام بند و وضو یا غسل کرده چاره  
یا از رسیدن پوشیده و تنه شوهر بالد و دو گانه او بگذرد و نیت حج نیست اللهم انی ارید الحج  
فیسئلنی و تقبله منی بعد از آن لبیک ان التحمل والتعفة لک و الملکة لک و لبیک  
و انجماع و مساس و بوسه اتر از کند و از فتنش و فخر و جدال با رفقا باز ماند و از شکار و سرخ  
داون شکار و از پوشیدن جبهه و پیکانچه و کلاه و قبایز بر سر نکند - مسئله احرام  
و ایستادن در عرفات و طواف زمارت در حج فرض است - و در عرفه ایستادن و دو  
و سه و دویدن و رجم و طواف صدر کردن و موسی سر تراشیدن واجب است باقی نیست  
مسئله تیر گناه که در حج ممنوع است از ارتکاب آن قربانی لازم آید - باقی راز از  
جاگاه آن تلاش کند فاکتلا هر مناجاتی که در آن او تعالی را با اسم یا رب یا دعا کرده شود  
زود بدرجه اجابت رسد بنا بر آن بیست چند بطور مناجات نوشته شد تا هر که خواند بخواهد  
آن بدرگاه حضرت باری عرض نماید خود بکند - این است مناجات با  
تو دانی چاره هر کار یارب + منم از سرگران ناجاریاز + تو گشتا انفضل و جو و حیا که آسان شود و خوش  
مرا از چون منی عاجز گردان + مرید از کارم آب کاریاز + به بیم عهد با ما تو زناست شکستم از نفس هر بار باز  
ز دست نفس شیطان و ز غمخیزان ز شمشیران گاهم در یاز + منی دانم چه آید ششم آخر ازین مناجات باز  
تو رحمی کن به فیضان رحیمی + تو ستاری تویی غفار یاز + منور ساز جانم یا الهی + زخوم جمل کین بدات  
دم آخر با قدرت براری + بکن چشمم مع الاخیاریاب + بحق غمخیزم شیخ دورم + بحق احمد فخریاریاب  
نیازها قسمی مقبول فرما + تو مارا از گرم مگذار یارب - اندتسب

تا اینجا که فقیر مولف بیان کردم ذکر صیام و صلوة و حج و زکوة بود و بقدر حاجت و بوجه اختصار  
تا مبتدیان را ملال نیانجامد و نصیحت آن باسانی صورت بندد اکنون مناسب آن که  
بندی از اخلاق و بعضی از فوائد یاد کنیم تا تعلیم را بکار آید و در تیسره آخرت را نشاید  
من اللہ العلیق - بدان اسے فرزند کماومی مجبول است بر طبیعت حیوانی که زرات او  
در آن است و تیسر بر طبیعت انسانی که شرافت او منوط بدوستی است که دلش گریزنا - اشارت  
از این است و آنکه اخلاق سینه که زرات بنی آدم بدان منته است اینست چنانکه کذب  
و غیبت و حسد و حسد و بغض و عصب و جفا و دشمنی و تندی و غیره - اگر کذب را  
عادت کنی چه بر اثر از زبان برود و نزد خلایق بی اعتبار و خوار گردی و نزد خالق  
مردم بگردد - اگر غیبت کنی به ملعون خلایق گردی و در آرزوی زبان از خدای تو بر آید  
و غیبت اشده از زنا است - اگر حسد و عصب و جفا داشته باشی در نزد خدای تو



سه تش سوزان است جان خود را بی قیاده درالم داری اگر سستی را دوست داری هم از فایده  
 دنیا و هم ثواب آخرت بازمانی - چهل بلا نیست بد جابل از چهل خود پیش خلا لبق شمر سار باشد  
 دزد و خالق سزاوار مار - غضب در هیچ حال دوست ندارد غضب آفت است از دوزخ چون  
 غضب در دل آدمی افتاد سر ایامی آسوخست چنانکه که نتیجه آن جفاست - شمه که کند  
 حریرین سپاس گذار است در آخر حال حسرت خورد و خنده مکن که خنده این عالم گریه آن عالم است  
 پس همچنین خیال کن - دیگر آن را - پس عاقل کسیکه از امثال چنین که مذکور است اجتناب و در  
 عادت نه کند و هر دم در سعی آن باشد و کوشد که از سیئات اعمال دور باشد و بر محاسن  
 امور ترقی نماید که شرافت نفس بشهر مقصود از آن است نیست - چنانچه صدق و وفا و صبر  
 و قناعت و تواضع و حکم و شکر و علم و جهد و گریه و غیر ذلک - اگر صدق را خو کنی اعتبار  
 و وجاهت را نشایان باشی و از جهالک و مضار نجات و مناص بانی - چون وفار را پیش کنی  
 عزیز و لها شوی و بر صفا بر میان نشینی - صبر و ولایت که مفتاح فرج است که هزار  
 بستگیها از کلید صبر کشند و یا قناعت - قناعت گنجی است بزرگال چون قناعت و رزق از  
 خواری شستی - تواضع در ریاضت و عظمت باشد هر که نیاز آورد و رغبت جا و دانی نماند  
 حکم و قاریست بی پایان در هر حال حلم را نگهدار که عزت با معنی شکر باعث از دنیا نماند  
 است هر که شکر کرد و زیاده یافت - علم که بیامی است که مس وجود را زرد گرداند هر که  
 علم آموخت خیر دارین اندوخت - جهد کن تا حسرت نخوری تا تخم نیشانی غلنه بری -  
 گریه بکن که گریه این عالم خنده آن عالم است - پس نیکیست کسیکه دایم جانب صلاح  
 یاشد و از حق توفیق غیر طلبد و امیدوار فضل باری باشد - و اشد الهادی الهی  
 ارشاد - ای فرزندان ما و پسران غنیمت و ان خدمت ایشان واجب است آنکه علم این  
 از دل بکن جنبت در زیر قدم ما دران است - هر که از ما دور دیدارش خوش بود باشد  
 رضای الهی داند و ناخوش خدوی این با غضب خدا - امی فرزند تا زنده همه کس را  
 بر تو حق است حق همه کس را نیک بشناس که روز باز پرس پرسیده شوی امی فرزند کار  
 کن که جانب خلق هم فرزند و جانب خالق هم ضایع نشود - اسع فرزند چون کار  
 آغاز کنی بربسم الله نماز کن که آنجا مشغول خیر بر آید - و بر هر نعمت و راحت الحمد بخوان  
 و بر هر بیخ و مصیبت انانند - امی فرزند خداوند تعالی از حکمت کامله خود نفس چند  
 و ولایت نهاده است در وجود آدمی برمی آید و فرموی روند - و عمر عبارت از سستی است  
 و باقی است تمام است و هر کس عبارت از همین است - باید که بگوید او

بیدم جهان گذاری شاید که دم آخر باشد دور یا وقت سر شود چه خوش باشد - ای فرزند در هر دم  
 خدا را یاد کن و حق را دوست دار که آخر کار با دوست نمی بینی که چون کسی میسر و یار و دوست  
 و فرزندش تا گور رفت اندر شکم زمین سپرده می روند چون حال این است محبت با ایشان  
 چه شود - دل در بند کسی که دنا و بقا دار و او تعالی است و بس - ای فرزند از جهاده توحید  
 برگر و در صوم صلوة تأییم باش و کار دنیا را محقر کن که فرصت کم است دنیا را و فایده است  
 عم دین خور غم دین خور - ای فرزند تا توانی با وضو باش و وضو حاصل است آینه مرسل را  
 که صاحب او در حفظ باشد - اسے فرزند چون صبح بر چیزی خدا را یاد کن از حاجت ضرورتی  
 فارغ نشو و وضو کن و نماز کن و سوره نشین شد بهیئت و ایم مستخوان و پاره لبت  
 قرآن شریف لازم که هر چند توانی کثرت درود کن - اسے فرزند در هر کار خود  
 توکل بر خدا کن بد اسباب تمسک کن - ای فرزند در نماز سستی مکن که دل  
 در پیش است - ای فرزند جمیع ترک کن - در گزارده در خواب رو - اسے فرزند علم بیاموز  
 که جهت خالقیقت و جهت مخلوقیت نیکو بشناسی و تمام آنچه پسندیده از علم حاصل کنی که ای  
 فرزند در هدایت صحیح وارد است که هر صبح و مسالیم الله الذی لا یضمر مع همه  
 شئی فی الارض و لا فی السماء وهو السميع العليم - سه مرتبه بخواند از هرگزند  
 بر کنار باشد چنانکه تغییر باد و ارم که روزی این دعا را وظیفه کرده بودم بعد مغرب از سقف  
 خانه گزیده بر جسم من افتاد من از اشتغال دیگر امور خیال کرده بودم و التفات نکردم همچنین  
 از دست دوری کردم باز برمی آمد تا سه گرت چون نیک نگر تیرم و انم که عقب است لیر کارش  
 تمام کردم لیکن از پیشش محفوظ ماندم و هشتم که برکت دعا است - ای فرزند که اگر کثرت  
 عم بر تو اشتداد نماید - لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم را ملازم باش - ای  
 فرزند چون در سر انجام کار سه سر و باشی افوض امری الی الله ان الله بصیر  
 بالعباد - بخوان از عیب کار سازی کرد - ای فرزند استغفار را ملازم باش که در آخرت  
 خوش شندی - ای فرزند او تدا و ادب کن که خدا ابا دوست - ای فرزند در آزاری  
 مباش تا توانی راسته رسان - ای فرزند همان را تعظیم کن که همان انعام خداست - ای فرزند  
 با جوار با هر وقت و با شفقت باش - روزی پدرم رحمة الله علیه مرا پند می فرمود که ای فرزند  
 زندگانی کن با خلق بی غرور و با وقار و با خالق با نیاز و خلوص کن خوب تمیز فرمود ای فرزند  
 زن در فرزند را نیکو دار - ای فرزند تا توانی در شستن و بر خاستن و گفتن و ملاقات  
 و نضت و خوردن و پوشیدن و نوشیدن دستباز و دادن در جمیع احوال

رابع شهر عیاشی از طرف کلداری و شیعت پیغمبر صلی الله علیه و سلم همه ادب است -  
یقین بدان که تا بدو خاتم چندست همان هشتم لازم همان ادب است هر که ادب و روزی  
چو پیش خالق و چو پیش خلق عزیز گردید - و آنچه نده او کلا و آخر او صلی الله  
علیه و آله و صحبه اجمعین

قطعه تاریخ اختتام از فقیر مولف

خوش بگوئی سپاس بصد

باشمخی مستمکتاب عزیز

خوش بیان نماز و روزه بود  
۱۳۰۵

گفت سالش دلم ز روی بجا

قطعه تاریخ اختتام از برادر مولف سیدی محمد مصباح

صبا عرفان نسبت این فضل الهی

حضرت انوی من مولا فضل عتبات

مژده قمر با صلی شاد باش ای صامی

خوش گوی گفت اندر فقه آن عالیشان

یادگار باشم بی کونگار باشم  
۱۳۰۵

گفت محمود نیاز آگین من اتمام

قطعه تاریخ از همیشه زاده و مولف مولو سید بهادر الحق المکنی ابوالخیر

مست در دین عالم و قابل

آنکه ماموی من بفضل و کمال

در مسایل مدلل و محصل

کرد تصنیف یک کتاب عجیب

سخن دین و دولت کامل

گفت ابوالخیر سال از مشا

۱۳۰۵

در مطلع فردن واقع محامد الرزاق رحمت باندر سکنه آبادات پاسبان

# اطلاع

درینوالات کتاب فیض الکتاب در بیان چند ضروری مسایل عقاید و فقه  
 میندفاصن و عام موسوم به معین الاسلام که کافه مسلمین بمطالعاتش اطمینان اعمال  
 و جهادات فرضیه نمودن توانند و تعلیم آن ترقی استعداد خود چه باشند جناب فضیل  
 خلاصه خاندان مصطفوی و نقاد و دو دمان تصوی و اقصای علوم و فروع و اصول کاشف قایل  
 معقول و منقول عمده الذاکرین شجسته العابدین نوذنی و المعنی جناب لوی سید محمد صاحب  
 بن سید اسمعیل صاحب مہسوری دام فیضہ محض بنظر فادہ طلبائے مدارس غیرہ تا فیض  
 فرمودہ برائے انطباع ہذا طریق بہ عطا فرمودہ پس بلا اجازت این مطبع کے  
 قصد طبعش نہ نماید و بحیال حصول منفعت نقصان نہ ہر ذار و فقط

المعتمد

سید محمد



